



عنتقو بینهان  
همیبتنه مخفی  
نمیمنونه

مترجم:

Meruem

ادیتور:

law

آپلودر:

Marziye

عشق پنجهان  
همیشه مضمی  
نمیونه

کاری از آویی سگای



AS



کی سیگار  
کشیدنو  
یادت داده؟



ماله من  
نیست.

ولی من با  
چشمای خودم  
دیدم از جیب  
افتاد.



سانگ ژي  
کوچولو داره  
کارای بد بد  
میکنه؟

خودتم مگه  
نمی کشی؟

من کی  
تاحالا جلوی تو  
کشیدم؟

این،

من اینو  
توقیف می کنم.





قایم کرده

واقعا ماله من  
نیست.

ماله هم  
اتاقیمه.

خب دیگه  
بیخیالش.

خیلی وقته  
منو ندیدی،

نمی خوای بهم  
سلام کنی؟

بر..



برادر جیاشو.

مدتی هست  
که تو بی‌هه‌ای،

چرا ازم نخواستی  
باهات بازی کنم؟  
اصلاً نیومدی  
پیشم.

کلاس داشتم...

عه چه جالب.  
آخر هفته‌ها  
هم کلاس  
داشتی؟

من... من

ایان تو دوره  
کارآموزیه.



همم،

منم دوره  
کارآموزی  
داشتم،

ولی بازم وقتمو  
فشارده می‌کردم  
که، پیام استاد تو  
بینم.

کمکت کنم  
مشقاتو انجام  
بدی.

دیگه، بی‌صفت  
خونه...





هیولا  
کوچولو...



عیب  
نداره حالا.

اینکه به  
بانوی جوان اینقدر  
سنگدل بشه خیلی  
هم چیز بدی  
نیست.



تو اون موقع  
سال دوم  
سومت بود.


من سال اوليم،  
معلومه كه سرم  
شلوغ تره.

بفرما،

الانم داری  
سنمو می کنی  
تو چشم.

بچه، مگه داداشی  
در حقت چه  
بدی ای کرده؟







این منظورم  
... نبود.

ولی جدا با  
اینکه بزرگ  
شدم بازم صدام  
می کنی بچه

بنظرت  
ناجور نیست  
یکم؟



چجوری  
می تونی بزرگ  
شده باشی؟



وقتی هنوز  
مثل بچه ها  
رفتار می کنی؟

خبه من چند  
سالی هست  
برادرو ندیدم.

الان دیگه  
بیشتر شبیه  
بابا بزرگا  
شدی.



جان؟

وقتی فقط  
صدام می‌کنی  
برادر احساس  
بهتری دارم.

...

بیا نزدیک تر.




چرا؟

از آخرین  
باری که همو  
دیدیم خیلی  
گذشته،

بزار داداشی  
قشنگ نگات کنه  
بینه که سانگژی  
که همش میگه  
بزرگ شده،

خوشگل تر  
هم شده یا  
نه.

.....



نوشیدی؟

نوچ.

من الكل  
نمی خورم.

اوه ساعت  
یازدهست.

باید برت  
گردونم  
دانشگاه؟

با  
هم کلاسیام  
برمی گردم.



باوش.



کی  
برمی گردیم  
دانشگاه؟

بازم لفتش  
بدیم قطار  
گیرمون نمیاد.





گفتن  
ساعت ۱ بامداد  
برمی گردن.



...پس من  
دیگه میرم.

نمی خوام  
شب بیدار  
بمونم.

سانگژی،  
داری میری؟

آره.





دیر وقته.

به جیانگ  
مینگ بگو  
بر تگردونه.



هم رشته  
ماست،

فکر کنم یه  
چیزی برات  
داره؟



چی مثلاً؟

ما حتی یہ بارم  
باہم حرف  
نزدیم، فرضیہ  
ہای الکی نباف.

نگران نباش،

ایستگاہ  
قطار خیلی  
دور نیست.

دیگہ میرم.

مراقب  
خودت  
باش!

باوشہ  
پس!

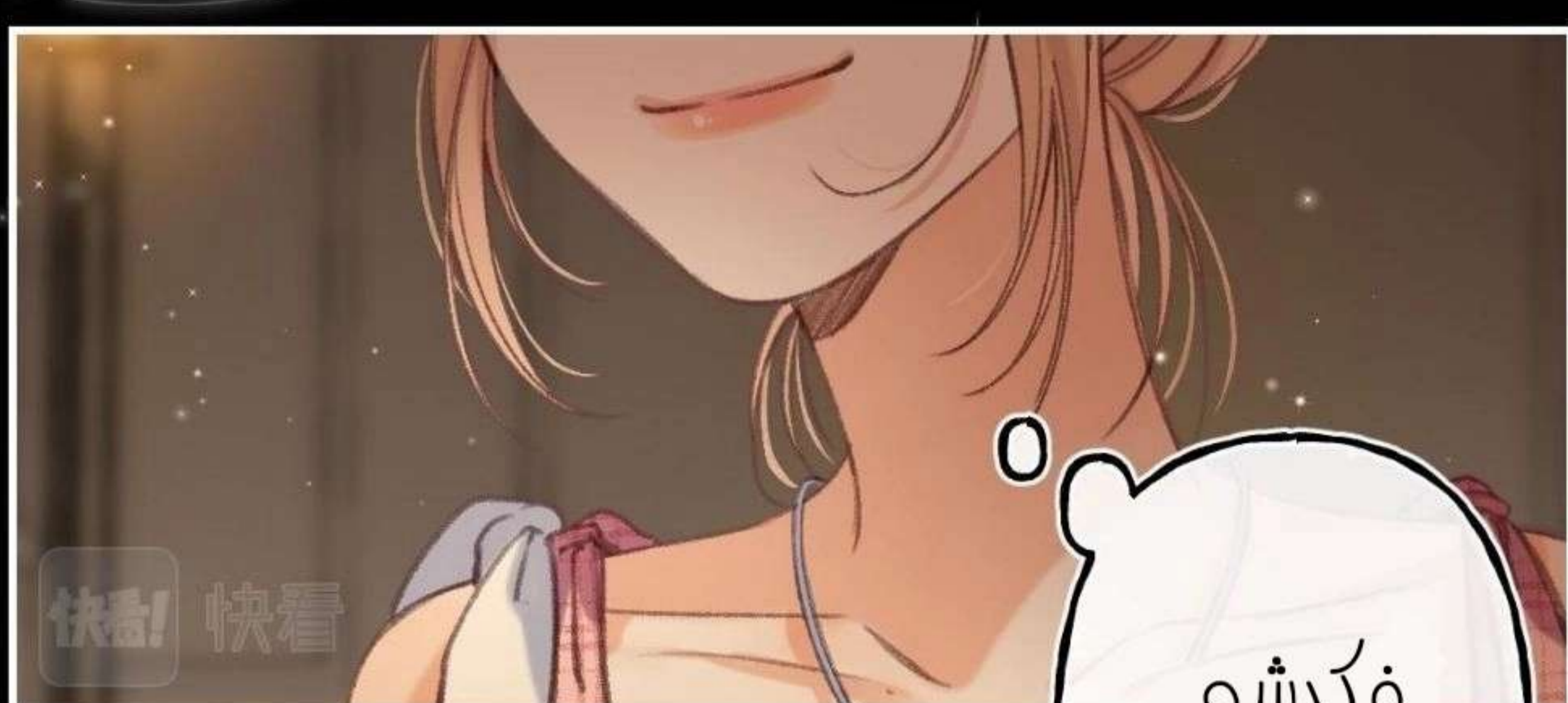


بستن

زین

زین

وو



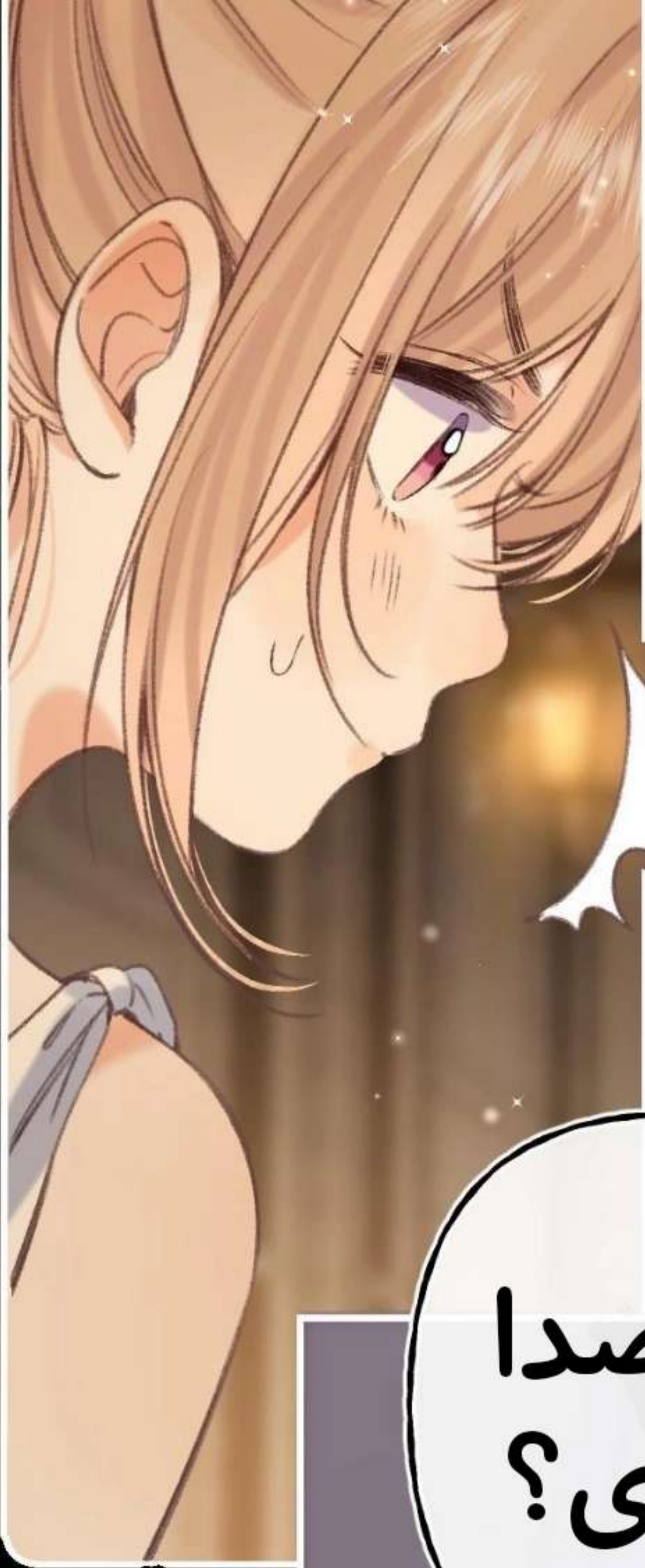
فکرشو  
می کردم...

حتی با اینکه الان دیگه بزرگ شدم، بازم  
برای اون همون "بچه" ام! مثلا فکر می کنه  
با هفت سال اختلاف سنی خیلی بزرگه؟  
چرا شبیه بابا بزرگ رفتار می کنه؟!!



بابا بزرگ  
خرفت!

جان؟



منو صدا  
کردی؟



...

خب بزار  
بینم،

از بین همه  
کسایی که امشب  
دیدم، احتمالا  
فقط من...





یه بابابزرگ  
خرفتم؟

ادامه دارد... ❄️

# وقت مشورته



سوال: بعد از شنیدن حرفای  
سانگژی دو آن جیاشو قطعاً...

الف: بهش در کونی می زنه.

ب: فقط لجبازی به بچه دماغو در نظر  
می گیرتش.

ت: دعواش میکنه.



سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،  
توسط تیم بزرگ تلگرامی

## آئویی سکای

ترجمه و ادیت شده و برای شما  
و بقیه افرادی که به مانهوا  
خوندن علاقه دارن آماده  
شده.

تیم آئویی سکای فقط و  
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،  
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و  
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،  
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده  
و این کار دزدی محسوب میشود و به  
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.  
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی  
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)